

روابط انسانی در مدیریت اسلامی

احسان... لئکرانی

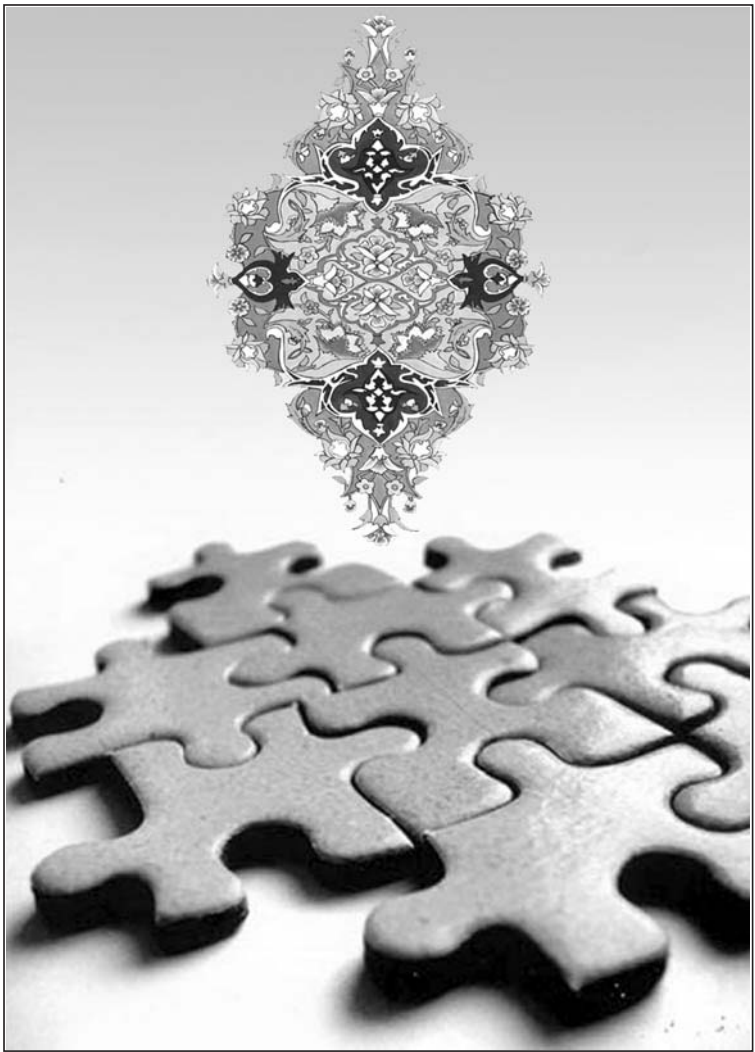
بنشانی؛ ولی برقراری رابطه‌ی انسانی با افرادی که در کنار هم هستند با دشوار می‌باشد. نظر به اهمیت موضوع روابط انسانی در مدیریت این نوشتار در نظر دارد به اختصار عوامل و مؤلفه‌های تسهیل‌کننده ایجاد روابط انسانی در مدیریت را آتقایی گرداند. تحقیقات بیانگر وجود رابطه‌ی مثبت بین متغیر روابط انسانی در مدیریت و ارتقای بهره‌وری و آتقایی، مهارت، دانش و هنر می‌تولید. آنچه مسلم سلامت عمومی کارکنان و رضایت‌مندی شغلی است. به صورتی که می‌توان گفت انسان‌ها مانند صندوق زمردار هستند، گشودن درب توانایی و خلاقیت آنان، مهارت، دانش و هنر می‌تولید. آنچه مسلم است این صندوق هرگز با تهدید یا زور گشوده نمی‌شود؛ بلکه نیازمند دانش انسان‌شناسی، مهارت روابط انسانی، و هنر مهورزی و محبت است. خلل پاییز برود هر بنا که می‌بینی

مگر بنای محبت که خالی از خلل است بر اساس پایه‌های روانشناختی نظام کنش‌وری انسان تحت تأثیر مستقیم الگوهای انگیزشی اوست و انگیزه‌ی آدمی برخاسته از نوع دلبستگی محبت‌آمیزی است که بدان موضوع پیدا می‌کند. از سوی دیگر مؤلفه‌ی محبت در بنس‌تر فرهنگ توحیدی و جهت‌مندی مذهبی، منای خاص یافته، جلوه

- تشکیل صمیمیت و اخوت اسلامی، - ایجاد زمینه رشد و بلندگی مادی و معنوی، - ارتقای سطح سلامت عمومی و بهداشت روانی، - پیشگیری از هدررفت انرژی‌های مادی و معنوی، - جلوگیری از کم‌کاری و بی‌کاری پنهان، - ارتقای بهره‌وری و سطح تولید.

به طور کلی بدل توجه به روابط انسانی در مدیریت، حداقل متضمن دو فایده‌ی بزرگ است: اول: مدیر از این طریق می‌تواند از نیازها، کمبودها و گرفتاری‌های افراد مجموعه‌ی مدیریتی خویش، آگاه و مطلع گردد و بدین وسیله با آنها همدلی و دلجویی کرده، در حد توان در رفع مشکل ایشان اقدام نماید تا انگیزه‌ی افراد را برای تلاش و همکاری تقویت کند.

دوم: از طریق آشنایی با مشکلات کارکنان، مدیر می‌تواند از مشکلات سازمان‌نیز آگاه گردد و با تدابیر و اقدامات مناسب در بروز مشکلات پیشینه‌ی جلوگیری کند. برخی از پیامدهای منفی بی‌اعتنایی به روابط انسانی در مدیریت به شرح ذیل است: - ایزاز کسالت، بی‌حالی و خستگی، - افزایش ضریب اشتباهات و حوادث کاری.



ویژه پیدا می‌کند. از این رو مأمیت روابط انسانی در چارچوب فرهنگ دینی، رابطه‌ای یازیش با ارزش‌های برخاسته از پذیرش قادی مطلق برای هستی که محبوب حقیقی به شمار می‌رود، نسبت عیب‌پیدا می‌کند لذا در قرآن کریم فرموده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا هُمْ رَحِمَتِي بِمَا جَاءْتَنِي فَاسْتَجِبْ لَهُمْ سَوَاءٌ مِمَّا جَاءْتَنِي مِنْ نَجْمٍ أَوْ سَمِيٍّ أَوْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ أَوْ مِنْ خَلْفِهِمْ ذُو السُّمْرِ الْأَيْمَنِ» یعنی خط مشی کلی در روابط انسانی عشق و محبت است؛ فرمود: «الإنسان عبد الإحسان» آدمی عبد احسان است. بی‌گمان یکی دیگر از اسرار توفیق مدیریت نبوی (ص) در میان آن جامعه‌ی پدوی، همانا رافت و محبت بود، خداوند در معرفی این بعد از سیمای نبوی فرموده است: «ما تو را جز به عنوان رحمتی برای جهانیان فرستادم» و در آی‌های دیگر فرموده است: «همان رسولی از خداوند به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و بر هدایت شما بسیار حریص و نسبت به مومنان، به آسانی و مهربان است» در سایه‌ی رافت و محبت است که انسان می‌تواند نه تنها از اشتباهات دیگران به آسانی درگذرد، بلکه بدای ایشان را به خوبی پاسخ بدهد.

- بروز تعارض منافع بین افراد، - ایجاد کدورت و دشمنی بین کارکنان، - افزایش نقل و اتصالات بی‌مورد، - بی‌نظمی و سرپیچی از مقررات، - افزایش غیبت‌های غیر مجاز و اقدام به توجیه آن، - آمدگی برای بروز اختلافات روانی، - احساس کهنرتی و درماندگی، - مغلوب برای ایجاد همکاری و مهوروزی بین افراد نظر به آثار و پیامدهای موضوع روابط انسانی در مدیریت، ضرورت دارد با رعایت نکات در جهت غنی‌سازی روابط انسانی فضای کاری مناسب و مطلوب برای ایجاد همکاری و مهوروزی بین افراد فراهم شود. برخی از نکات کاربردی در اینباره عبارت‌است از:

- تکریم مسؤل نیروی انسانی سالم و دانا، - محیط کاری و سازمانی آرام بخش و نشاط‌انگیز، - ارتقای احساس امنیت روحی و روانی، - نیرومندی روحی کارکنان، - افزایش رضایت‌مندی از کار و زندگی، - شکل‌گیری فضای همکاری و همیاری.

- تهدید نه‌سازی نظام نظارتی و انضباطی، - توجه عملی به ایدها و انتیبه‌های سازنده افراد، - حضرت علی (ع) در این زمینه فرموده است: «آن‌گونه که از آنان نفقذ نما که پدر و مادر از فرزندانشان نفقذ و دلجویی می‌نمایند» به عنوان مثال در صورت بروز واقعه‌ای نظیر جشن یا عزا، برای هر یک از کارکنان، نفقذ مدبر و حضور وی در مراسم، نمونه‌ای از بدل توجه و تقدیردانه به شمار می‌رود.

آنچه پیش از هر چیز در الگوی روابط انسانی مؤثر است نوع نگارش به جهان هستی و انسان است. در نگارش توحیدی، حرم خداوند محترم، عدالت مقدس و انسان موجودی ارزشمند و اشرف مخلوقات آفرینش محسوب می‌شود. در این چارچوب هنجارها و ارزش‌ها دارای اعتبار و ضمانت درون‌تانا دارد و حضور خداوند در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی پذیرفته شده است.

برخی از پیش‌نیازها و لوازم تحکیم روابط انسانی در مدیریت از منظر اسلامی عبارت است از: - عدالت، عدالت با ارزش‌ترین معیار زندگی تعالی بخش است، عدالت بنیانی تمام حرکت‌های صحیح است، با وجود عدالت، همه چیز در جای واقعی خود قرار می‌گیرد، هر کس به حق خود دست می‌یابد، با عدالت همه‌ی امور سامان می‌یابد. بی‌تردید بی‌عدالتی و تبعیض یکی از بیماری‌های روانی رایج مدیریت به شمار می‌رود که بر روابط انسانی سالم در مدیریت خلل وارد می‌کند.

- اعتماد: وجود اعتماد پایه و مایه‌ی اصلی روابط انسانی به شمار می‌رود، اعتماد تأمین‌کننده‌ی روابط انسانی سالم و تضمین‌کننده‌ی پایداری آن است. - نرمی و مدارا: هیچ عاملی نظیر رفق و مدارا... در تحکیم روابط انسانی اثر بخش نیست، قرآن مجید یکی از دلایل توفیق‌ات انگیز در مدیریت نبوی (ص) را، عامل رفق و مدارا و ملامت آن حضرت بیان فرموده است:

فما یبرهنه من الله لکم لکم ولکنک فظا غلیظ القلب لانفسوا من حوکنک فاعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم فی الامر. (آل عمران : ۱۵۹)

پس به موجب لطف و رحمت الهی با آنان نرم خود را نرم‌دل شوی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو بپراکنده می‌شوند، پس از آنان در گذر و برایشان آرمزش بخواه و در کارها با آنان مشورت نما.

تحول عظیمی که توانست مدیریت نبوی (ص) در جامعه‌ی پدوی آن روزگار بوجود آورد و از مردم جاهلی، بی‌فرهنگ و بت‌پرست و خرافی، انسان‌های پاک، وارسته، متعالی و محبوب‌ترتیب نماید، ممکن نبود مگر در پرتو مدیریت، صمیمیت و اخوت اسلامی در پرتو ارزشهای دینی.

حضرت علی (ع) نیز در این باره فرموده است: «الرفق یودی الی السلم» رفق و مدارا به آشتی و سازگاری می‌انجامد. همچنین فرموده است: کسی که در امور، رفق و مدارا در پیش گیرد، به آنچه از مردم می‌خواهد دست می‌یابد.

- محبت: خداوند متعال، انسان را به گونه‌ای آفریده است که جان و دل او شیفته و نشنه‌ی محبت است؛ شخصیت آدمی چنان است که اگر از کسی محبت یبند، جذب او می‌گردد و کمر به خدمت وی می‌گمارد؛ فرمود: «الإنسان عبد الإحسان» آدمی عبد احسان است. بی‌گمان یکی دیگر از اسرار توفیق مدیریت نبوی (ص) در میان آن جامعه‌ی پدوی، همانا رافت و محبت بود، خداوند در معرفی این بعد از سیمای نبوی فرموده است: «ما تو را جز به عنوان رحمتی برای جهانیان فرستادم» و در آی‌های دیگر فرموده است: «همان رسولی از خداوند به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و بر هدایت شما بسیار حریص و نسبت به مومنان، به آسانی و مهربان است» در سایه‌ی رافت و محبت است که انسان می‌تواند نه تنها از اشتباهات دیگران به آسانی درگذرد، بلکه بدای ایشان را به خوبی پاسخ بدهد.

- سعی: صدر: یکی دیگر از لوازم و پیش‌نیازهای ایجاد روابط انسانی ارزشمند داشتن سعی و صبر و ظرفیت روحی است. هر مدبری برای کسب موفقیت نیازمند همکاری مشتاقانه همکاران خویش است. تحقق همکاری و همیاری مستلزم وجود سعی و صبر در روابط انسانی است. حضرت علی (ع) مهم‌ترین وسیله‌ی لازم برای مدیریت را داشتن سعی و صبر و سستی‌های گشاده می‌داند و می‌فرماید: آله الیاریاسه سعی الصبر.

- خیرخواهی: در صورتی روابط اخیر خواهد فرمود: «سعی و صبر در روابط فردی خود معیار قرار دهد یعنی آنچه‌ای دیگران رفتار کنند که دوست دارد و با چنین رفتار شود، ضرورتاً همه‌ی خیرخواه‌ها رذغده‌ی مصلحت‌خواه و سازمان‌نست به وضعت کارکنان نیز حساس و متعهد است. خیرخواه دیگران بودن باعث بخشش بفر محبت در دل ایشان می‌گردد. خیرخواهی مدیر بدین معنا نیست که مدیر صبر کند تا مشکلات بزرگی برای افراد پیش آید و آن‌گاه در جهت رفع آن با یاری او بشناید، بلکه گاهی یک دلجویی و احوالی‌رسانی ساده می‌تواند تأثیر شگرفی در روحی‌ی طرف بر جای بگذرد و تا مدت‌ها او را دلگرم سازد.

رابطه‌ی نماز و شهادت

لحظه لحظه‌ی زندگی ایشان را موج‌هایی در بر دارد. انسان‌های وارسته و از خود گذشته که تمام وجود مقدس و پربرکتشان عشق و فداکاری، عفاف، صداقت، کرامت، نجابت و مبارزه با نفس بوده است. دیده‌ی ما حیران‌است و گوش‌ها از شنیدن این همه بندگی و خلوص بهت زده، باید بدانیم از کجا شروع کردند که چنین خوش فرام و عاقبت بخیر شدند. چگونه با کدام قدرت و نیرو وجود سراسر نفسدار را یک رنگ و یکو بنا به صدا در آوردند و خالصانه بنده‌ی رب خویش گردیدند و جاودانه از انعام خدا بهره گرفتند.



مطالعه و دقت در زندگی آنان که در دریف شهدا قرار گرفته‌اند، نام زیبای شهید، برازنده‌شان گردیده است نشان می‌دهد که آغاز کار با نام خدا، بسم... و نماز بوده است. نماز، نیایش و ستایش و دعا در تمام لحظات زندگی ایشان جاری بوده است. نعمت‌های خدا را با زلالی نماز شکرانه، تبرک می‌گردند تا برکت و ثمره‌ی خدایی داشته باشد. کوه مصائب را با کمال نماز می‌گشوند خطاها را به نهر جاری نماز و اگزار می‌گردند تا نظر پنهان سارذ، در زلال تبسم نماز توبه می‌گردند و در همه حال نماز را برپا می‌داشتند. اقامه‌ی نماز یکی از مصادیق وفا به عهد الهی و حفظ پیوندهای الهی و در سرنوشت انسان فوق‌العاده مؤثر است.

نماز طیب انسان است و سلامتی انسان را تضمین می‌کند همانطور که ورزش، غذای خوب و هوای پاک برای سلامتی جسم لازم است نماز هم برای سلامتی روح انسان لازم است. شانه‌روز لافاز پنج نیت در برابر خالق بی‌همتا، بی‌نیاز و قادر و متعالی قرار می‌گیرد و ارزش سخن گفتن با یکتای هستنی اوست، بصورت، افکار و رفتار او همه خدایی می‌شود و سعی می‌کند کاری بر خلاف دستورات او امار الهی از او صادر نشود. انسان که می‌خواهد به نماز بایستد وضو می‌سازد، ظاهر خود را پاک و آراسته می‌کند و باید با لباس پاک و حلال به نماز بایستد از ههنا آغاز به فکر می‌رود که طلمی و غرضی و حرامی انجام گرفته باشد یا مال دیگری به نماز مشغول نگردد و سعی عملا می‌آموزد که باید از حرام دوری کرد.

وقتی تکبیر می‌گوید اقرار می‌کند که خداوند از همه چیز بزرگ‌تر است و فوق همه چیز است و دست و قدرتی بالاتر از نیروی عظمت خداوند نیست؛ پس با توکل و اتکا به خداوند و رب خویش در زندگی غلبه‌ی منجر الی من شأون آن یخذلی..... و از دستورات و احکام الهی پا را فراتر می‌نهد و با نیروی که به مدد استمداد از خداوند دریافت می‌کند و در نزد خدای متعمد خواهد بود.

شهادت می‌دهد هیچ حاضر بوده و حضور داشته است و هیچ فاصله‌ای با او ذات پاک خدا وجود نداشته است و این یک حالت متعالی است که هر انسانی لایق و شایسته آن نمی‌گردد. لا تحسبن الذین قتلوا یا هجروا انهم امنوا بالله آمیاه عهدنهم بقرآن، البته بنیادیند که شهیدان در خدا مرده‌اند بلکه زنده به حیات ابدی شده‌اند و در نزد خدای متعمد خواهند بود.

شهادت می‌دهد هیچ حاضر بوده و حضور داشته است و هیچ فاصله‌ای با او ذات پاک خدا وجود نداشته است و این یک حالت متعالی است که هر انسانی لایق و شایسته آن نمی‌گردد. لا تحسبن الذین قتلوا یا هجروا انهم امنوا بالله آمیاه عهدنهم بقرآن، البته بنیادیند که شهیدان در خدا مرده‌اند بلکه زنده به حیات ابدی شده‌اند و در نزد خدای متعمد خواهند بود. شهادت می‌دهد هیچ حاضر بوده و حضور داشته است و هیچ فاصله‌ای با او ذات پاک خدا وجود نداشته است و این یک حالت متعالی است که هر انسانی لایق و شایسته آن نمی‌گردد. لا تحسبن الذین قتلوا یا هجروا انهم امنوا بالله آمیاه عهدنهم بقرآن، البته بنیادیند که شهیدان در خدا مرده‌اند بلکه زنده به حیات ابدی شده‌اند و در نزد خدای متعمد خواهند بود.

شهادت می‌دهد هیچ حاضر بوده و حضور داشته است و هیچ فاصله‌ای با او ذات پاک خدا وجود نداشته است و این یک حالت متعالی است که هر انسانی لایق و شایسته آن نمی‌گردد. لا تحسبن الذین قتلوا یا هجروا انهم امنوا بالله آمیاه عهدنهم بقرآن، البته بنیادیند که شهیدان در خدا مرده‌اند بلکه زنده به حیات ابدی شده‌اند و در نزد خدای متعمد خواهند بود.